

دکتر متیو اس. هارمون، فیلیپیان: در انجیل عیسی مسیح شاد باشید،

جلسه ۸: نجات خود را بیابید - فیلیپیان ۲: ۱۲-۱۸

نوشته تد هیلدبرانت BiblicaleLearning.org

من دکتر متیو اس. هارمون هستم در مجموعه مقالاتش در مورد فیلیپیان، با عنوان «در انجیل عیسی مسیح شاد باشید». این جلسه هشتم است، «نجات خود را بیابید»، فیلیپیان ۲: ۱۲-۱۸.

به جلسه هشتم از مطالعه ما در فیلیپیان خوش آمدید.

«در جلسه امروز، به آیات ۱۲ تا ۱۸ از فصل دوم خواهیم پرداخت و من این را «نجات خود را به دست آورید، نامگذاری کرده‌ام. قبل از خواندن متن، باید به خودمان یادآوری کنیم که پیش از آن چه آمده است، و در فصل ۲ آیات ۵ تا ۱۱، به مسیح نمونه نگاه کردیم، کسی که در نهایت نوع زندگی‌ای را که ما به عنوان مسیحیان باید داشته باشیم، تجسم بخشید، و پولس در مورد چگونگی تهی شدن مسیح، به شکل یک بنده درآمدن، مطیع شدن تا سر حد مرگ، و اینکه چگونه خدا او را بالا می‌برد، او را بسیار بالا می‌برد، نامی برتر از هر نامی به او می‌دهد، صحبت می‌کند و ما در مورد چگونگی استفاده و ترسیم زیان عهد عتیق برای جذب غنای مسیح و آنچه که او برای ما انجام داده است بحث کردیم، و اینکه این فقط برای ارضای دانش یا کنجکاو الهیاتی ما نیست، بلکه در نهایت برای ایجاد انگیزه در ماست تا مانند مسیح زندگی کنیم، اینکه ما آن طرز فکری را داشته باشیم که خود مسیح داشت، و بنابراین پولس آن بخش را با صحبت در مورد جلال خدا به پایان می‌رساند.

سپس به فصل ۲، آیات ۱۲ تا ۱۸ می‌پردازیم. پولس می‌نویسد: «بدون گله و شکایت و بحث، فرزندان بی‌عیب و معصوم خدا باشید، بی‌عیب و نقص، در میان نسلی کج‌خلق و منحرف که در میان آنها همچون نور در جهان می‌درخشید و به کلام حکمت پایبندید تا در روز مسیح. می‌توانم به خود ببالم که بیهوده ندویده‌ام و بیهوده زحمت نکشیده‌ام، حتی اگر قرار باشد همچون هدیه‌ای بر قربانی ایمان شما ریخته شوم. من با شما شاد و خوشحال هستم؛ شما نیز با من شاد و خوشحال باشید.»

بنابراین، نقطه شروع اصلی در اینجا، تلاش برای نجات خودتان، این متن به دو بخش مجزا تقسیم می‌شود. بخش اول دستوری است که در آیات ۱۲ و ۱۳ آمده است تا نجات خودتان را بیابید و سپس هشدار می‌دهد که در آیات ۱۴ تا ۱۸ آمده است: از اشتباهات اسرائیل دوری کنید. این عنوان ممکن است برای آن بخش عجیب به نظر برسد، اما فکر می‌کنم وقتی آن را بررسی کنیم، خواهید دید که من از کجا این را برداشتم می‌کنم. بنابراین فقط یک یادآوری در مورد زمینه: رابطه بین این متن و فیلیپیان ۲: ۵-۱۱.

بنابراین، آنچه این متن را به سرود مسیح متصل می‌کند، پاسخ مناسبی به ما می‌دهد که مسیح کیست و چه کاری برای ما انجام داده است. منظور این است که خداوندی مسیح را در زندگی روزمره خود آشکار کنیم. اگر آن را در آن زمینه درک کنیم، در واقع چیزی بسیار شبیه به آنچه در فیلیپیان ۱: ۲۷ گفته شد، می‌گوید، جایی که پولس به مؤمنان دستور می‌دهد که به عنوان شهروندان به شیوه‌ای شایسته انجیل زندگی کنند. در این مقدمه، چند آیه در اینجا، آیات ۱۲ و ۱۳، پولس بار دیگر به حضور و غیاب خود اشاره می‌کند. از یک سو، او می‌خواهد اطاعت آنها را ستایش کند ۱۲. فیلیپیان زندگی مسیحی وفادارانه‌ای را نشان داده‌اند. حتی با ذکر این واقعیت که آنها اطاعت کرده‌اند، ارتباطی با سرود مسیح در ۲: ۸ وجود دارد که در مورد مطیع بودن مسیح تا سر حد مرگ صحبت می‌کند. بنابراین او در حال حاضر نحوه زندگی فیلیپیان را به نحوه زندگی خود مسیح گره می‌زند.

پولس همچنین می‌خواهد به آنها یادآوری کند که اطاعت در درجه اول عمودی است، نه افقی. همانطور که در بحث خود در مورد فیلیپیان ۱: ۲۷-۲۸ اشاره کردیم، جایی که پولس در مورد تمایل به شنیدن در مورد ایستادگی آنها چه در غیاب آنها و چه در حضورشان صحبت می‌کند. تمایل طبیعی ما این است که وقتی آن مرجع در کنار ما است، بیشتر از یک شخصیت صاحب قدرت اطاعت کنیم. چیزی که در اینجا، در این زمینه، به ما یادآوری می‌کند این است که

پولس سعی دارد اطاعت فیلیپیان را در درجه اول عمودی و نه افقی قرار دهد.

به عبارت دیگر، مسئله در درجه اول این نیست که آیا آنها از پولس اطاعت می‌کنند یا خیر. مسئله بسیار بزرگتر این است که آیا آنها از خدا اطاعت می‌کنند یا خیر. آیا آنها تشخیص می‌دهند که در قبال خدا مسئول زندگی به روشی خاص هستند؟ بنابراین پولس این واقعیت را به آنها یادآوری می‌کند و در مورد این ایده که نجات خود را عملی کنید صحبت می‌کند.

سپس او با صحبت در مورد ترس و لرز، آن را توضیح می‌دهد. متوجه می‌شوید که او در آیه ۱۲ می‌گوید و آن را با ترس و لرز به پایان می‌رساند. پس چرا او به این اشاره می‌کند؟ این ترس و لرز شامل چه چیزی می‌شود؟

سه فکر مرتبط در این مورد: اول، ترس و لرز، واقعیت خدا و خطرات ابدی در معرض خطر را تشخیص می‌دهد. برای ما آسان است که واقعیت هیبت مقدس خدا را از دست بدهیم. وقتی پولس در مورد ترس و لرز صحبت می‌کند معمولاً زبانی است که در زمینه‌هایی که مواجهه با خود خدا را توصیف می‌کنند، به کار می‌رود. این حس هیبت و شگفتی و احترام را با هم ترکیب می‌کند. آنقدر قدرتمند و چنان طاقت‌فرسا است که در واقع یک واکنش فیزیکی از غرق شدن در تقدس و قدرت و عظمت خدا ایجاد می‌کند. بنابراین

ما این کار را با ترس و لرز انجام می‌دهیم و نجات خود را با ترس و لرز به دست می‌آوریم. این ترس و لرز همچنین تصدیق می‌کند که در نهایت باید به آن خدای مقدس و عادل پاسخگو باشیم. اینکه در مقابل او خواهیم ایستاد و حساب زندگی خود را خواهیم داد.

سوم، ترس و لرز مناسب است زیرا ما با دشمنی روبرو هستیم که به هر قیمتی مصمم به نابودی ماست. فکر می‌کنم گاهی اوقات از این واقعیت غافل می‌شویم که دشمنی داریم که مأموریتش نابودی ماست و این باید سطحی از هوشیاری و جدیت را در رویکرد ما برای تحقق نجاتمان به ارمغان بیاورد.

حال، اگر کنجکاو هستید، پس منظور پولس از این ایده تحقق نجات شما دقیقاً چیست؟ به نظر می‌رسد زبانی که در آنجا وجود دارد، نشان می‌دهد که ما باید آنچه را که خدا قبلاً در آن عمل کرده است، کشف کنیم. به عبارت دیگر واقعیت نجات از گناهان ما باید یک شیوه زندگی ملموس ایجاد کند. اینکه چون از مجازات گناهان خود رهایی یافته‌ایم، مسیر زندگی ما باید ثمره داشته باشد. باید شواهدی از کاهش قدرت گناهان بر ما ارائه دهد. بنابراین ما آنچه را که خدا در ما عمل کرده است، کشف می‌کنیم.

اکنون باید روشن کنیم که آنچه پولس نمی‌گوید چیزی شبیه به این است. او نمی‌گوید: «خب، خدا تمام کارهایش را انجام داده. حالا شما می‌توانید کارهای خودتان را انجام دهید. امیدوارم برای شما خوب پیش برود. خواهیم دید چه کسی می‌داند؛ می‌تواند به هر سمتی برود. تشخیص سخت است. اینطور نیست که خدا ما را از مجازات گناهان نجات دهد و بعد فقط بگوید: «خب، امیدوارم در ادامه‌ی مسیر ببینمت. مسیر سختی خواهد بود؛ امیدوارم موفق شوی. فقط بهتر است، تمام تلاشت را بکنی، و خواهیم دید که چطور پیش می‌رود.»

در همان آیه‌ی بعدی، پولس همینجا به ما راهنمایی می‌دهد. او در آیه‌ی ۱۳ می‌گوید، زیرا این خداست که در شما هم اراده می‌کند و هم برای خشنودی‌اش کار می‌کند. بنابراین می‌خواهم کمی در مورد آنچه این متن در مورد نقش خدا و مسئولیت ما در مورد، به ثمر رساندن نجات یا رشد در خداترسی به ما می‌گوید، صحبت کنم.

در اینجا چندین راه وجود دارد که می‌توانیم در مورد آن صحبت کنیم. گاهی اوقات می‌توانیم در مورد آن به عنوان تقدیس تدریجی و در تجربه‌ی خود که مقدس‌تر و مقدس‌تر می‌شود، صحبت کنیم. شاید به یاد داشته باشید که پولس نامه را با اشاره به فیلیپیان به عنوان مقدسین، مقدسین آغاز می‌کند. خب، اکنون می‌توانیم در مورد این موضوع به عنوان بازتاب بیشتر و بیشتر واقعیت مقدس بودن در زندگی روزمره و شخصیت خود فکر کنیم.

پس مسئولیت ما چیست؟ من آن را به عنوان استفاده از ابزار فیض برای دنبال کردن خداترسی خلاصه می‌کنم. خداوند ابزارهای مختلفی از فیض را به ما داده است: او کلام خود را به ما داده است، او به ما دعا داده است، او به

ما مشارکت در بدن داده است، او به ما تشویق و حمایت سایر مؤمنان اطرافمان را داده است. او به ما انضباطها و اعمال معنوی داده است که می‌تواند توانایی ما را برای تجربه فیض خدا افزایش دهد. بنابراین مسئولیت ما این است که از آنها برای بهره‌گیری از هدایایی که خدا به ما داده است استفاده کنیم، نه به عنوان وسیله‌ای برای کسب لطف خدا یا به عنوان وسیله‌ای برای صرفاً «خب، در اینجا فهرستی از وظایفی که باید انجام دهم وجود دارد، بلکه به عنوان راه‌هایی برای قرار دادن خود در موقعیتی برای تجربه لطف خدا. بنابراین این مسئولیت ماست. نقش خدا در اینجا

چیست؟ این یکی از عبارات مورد علاقه من در مورد تقدیس در کل کتاب مقدس است زیرا من عاشق چیزی هستم که پولس در اینجا به ما نشان می‌دهد. دو کاری که خدا انجام می‌دهد: اول، او به ما میل به اطاعت می‌دهد؛ منظور پولس این است که وقتی می‌گویید خدا در شما هم برای اراده و هم برای کار برای خشنودی خود کار می‌کند. بنابراین ایده این است که او به ما میل به اطاعت می‌دهد.

دومین چیزی که به ما می‌دهد قدرت اطاعت است. اینجا است که اگرچه پولس مستقیماً از زبان حزقیال ۳۶ استفاده نمی‌کند، اما کاملاً ایده‌های خود را از آنجا می‌گیرد، بنابراین حزقیال ۳۶. این یکی از وعده‌هایی است که خدا در مورد این عهد جدید می‌دهد، حتی اگر از زبان خاص عهد جدید استفاده نشده باشد. اینجا. حزقیال ۳۶، از آیه ۲۶ شروع می‌شود، همان چیزی است که خدا از طریق حزقیال نبی می‌گوید: من قلبی تازه به شما خواهم داد و روحی تازه در درون شما خواهم نهاد. دل سنگی را از پیکر شما بیرون خواهم آورد و دلی گوشتی به شما خواهم داد. روح خود را در درون شما خواهم نهاد، و سپس به این گوش فرا دهید و شما را وادار خواهم کرد که در فرایض من سلوک کنید و مراقب باشید که از احکام من اطاعت کنید.

بنابراین این بخشی از وعده‌ای بود که خدا داده بود، مبنی بر اینکه وقتی این عهد جدید فرا برسد، روح خود را در درون قومی قرار می‌دهد و به آنها میل و قدرت اطاعت می‌دهد. این جمله قابل توجهی است زیرا اگر صادق باشیم، مرتباً احساس می‌کنیم که نمی‌خواهیم از آن اطاعت کنیم. خدا می‌گوید: «این کار را نکن» و ما می‌گوییم: «من نمی‌خواهم آن کار را بکنم» یا «خدا می‌گوید»: «این کار را نکن» و ما می‌گوییم: «اما من واقعاً می‌خواهم آن کار را بکنم».

ما فقط به حال خود رها نشده‌ایم، خب، فکر می‌کنم اینجا گیر افتاده‌ایم، درست است؟ خدا، به واسطه روح خود می‌تواند میل به اطاعت را به ما بدهد. و در نتیجه، وقتی آن تنش بین «من نمی‌خواهم اطاعت کنم» و «من می‌دانم خدا از من چه می‌خواهد انجام دهم» را داریم، می‌توانیم دعا کنیم و بگوییم: «خداوند، لطفاً خواسته‌های مرا تغییر بده، لطفاً آرزوهای قلبم را تغییر بده، لطفاً تمایلاتم را تغییر بده، تا آنها با تو و آنچه تو از من می‌خواهی انجام دهم، همسو شوند».

حالا، وقتی به آنچه پولس در این متن می‌گوید فکر می‌کنم، فکر می‌کنم وقتی صحبت از چگونگی رشد در خدا ترسی و تقدس می‌شود، ممکن است به دو اشتباه رایج برسیم. اولین مورد را به طور خلاصه «رها کن و به خدا بسپار» می‌نامم. منظورم این است که ما فکر می‌کنیم، خب، این مسئولیت خداست که مرا به نوعی به سمت خدا ترسی سوق دهد، و بنابراین نیازی به تلاش ندارم. من فقط منتظر می‌مانم تا خدا به طور معجزه‌آسا کار خود را انجام دهد و مرا به اطاعت وادارد و آن میل را به من بدهد. خب، این یکی دیگر از اشتباهات است. این یک تصویر کتاب مقدسی نیست. آنچه خدا از ما می‌خواهد انجام دهیم این است که اطاعت کنیم، تلاش کنیم و برای تقدس تلاش کنیم.

حالا اشتباه رایج دیگری که می‌بینم این است که ما به سمت دیگر می‌رویم و می‌گوییم که من فقط باید خیلی بیشتر تلاش کنم. من باید تلاش‌هایم را دو برابر کنم. من باید قوانین بیشتری وضع کنم و ساختارهای بیشتری ایجاد کنم، و اگر فقط قوانین و ساختارها و اصول درست را ایجاد کنم و تا جایی که می‌توانم از آنها پیروی کنم، این باعث خدا ترسی می‌شود. بنابراین، این نیز به تلاش بیشتر متکی است.

من فکر می‌کنم هیچ یک از اینها قلب کتاب مقدس را در بر نمی‌گیرد. ایده این است که بله، تلاش لازم است، اما ما به قدرت روح خدا تکیه می‌کنیم تا در ما کار کند تا میل و قدرت اطاعت را به ما بدهد.

بنابراین این زمینه را برای ۱۲ تا ۱۳ فراهم می‌کند؛ این دستور است، و سپس به فصل ۲، آیات ۱۴ تا ۱۸ می‌رسیم، و

متوجه می‌شوید که من در ابتدا آن را «از اشتباهات اسرائیل اجتناب کنید» عنوان کردم. ممکن است فکر کنید که این یک روش عجیب است؛ من حتی اسرائیل را در آنجا ذکر نکرده‌ام. این در مورد چیست؟ خب، فکر می‌کنم اگر این را برای شما باز کنم، خواهید دید که منظور من چیست.

پولس با صدور این دستور اول شروع می‌کند. اساساً، او می‌گوید غر زدن را متوقف کنید؛ غرغر نکن، و شاید، اگر کمی فکر کنید، چرا او از بین تمام دستوراتی که با غرغر کردن شروع می‌کند، این را انتخاب می‌کند؟ پس منظور او از غرغر کردن چیست؟ خب، از نظر کتاب مقدس، غرغر کردن به نوعی بیان با لحن آرام، نوعی زمزمه اشاره دارد. برخی این را به عنوان گفتگوی پشت صحنه توصیف کرده‌اند، نوعی واکنش بسیار طبیعی انسان به شرایطی که با ترجیحات ما همسو نیست.

اما اینجا چیزی بیش از این در جریان است. می‌بینید، وقتی پولس این اصطلاح، غرغر کردن، را انتخاب می‌کند، آن را در پس‌زمینه عهد عتیق استفاده می‌کند، جایی که این ایده غرغر کردن مرتباً به غرغر کردن اسرائیل در بیابان اشاره دارد. این زبان در عهد جدید نیز مطرح می‌شود. یکی از - تقریباً مثل این است که خلاصه‌ای از کارهایی باشد که اسرائیل در بیابان انجام داد. پاسخ کوتاه: آنها غرغر کردند. آنها از چیزهای مختلفی شکایت کردند: کمبود غذا، کمبود آب، انواع چیزها. بنابراین، اصطلاح گله و شکایت تقریباً به یک اصطلاح خلاصه تبدیل شد که شکست‌های اسرائیل در بیابان را، به تصویر می‌کشید. ما این را نه تنها در خروج می‌بینیم، بلکه می‌بینیم که در اول قرن‌تین ۱۰ نیز به آن اشاره شده است جایی که پولس در مورد آن صحبت می‌کند. ما آن را در یوحنا ۶ نیز می‌بینیم، جایی که عیسی در مورد نان حیات صحبت می‌کند.

بنابراین، می‌خواهم از گفتن اینکه این یک اصطلاح فنی است، خودداری کنم، اما می‌خواهم بگویم که این یک اصطلاح خلاصه است که اغلب برای توصیف شکست‌های اسرائیل در بیابان استفاده می‌شود. بنابراین، این بخشی از جایی است که من ایده اجتناب از اشتباهات اسرائیل را دریافت می‌کنم. مانند آنها نباشید وقتی که در بیابان بودند.

حالا پولس اصطلاح پرسشگری را به آن اضافه می‌کند. بنابراین همه کارها را بدون غر زدن، بحث کردن یا پرسشگری انجام دهید، نوعی حس بحث یا جدل دارد. این حس این حالت را دارد که همیشه می‌خواهید به چالش بکشید. همه ما با افرادی روبرو شده‌ایم که این نگرش مخالف را در مورد آنها دارند، جایی که می‌توانید بگویید آسمان آبی است و آنها می‌گویند، خب، در واقع، آیا واقعاً آبی است، و آنها می‌خواهند بر سر این موضوع با شما بحث کنند. یا شما می‌گویید، "خب، چمن سبز است." خب، آیا واقعاً سبز است؟ اگرچه شاید بیشتر از این رنگ باشد.

من این نوع تمایل را دارم که همیشه می‌خواهد چیزی را به چالش بکشد، به عقب براند. بنابراین پولس این دو اصطلاح را کنار هم می‌آورد تا هم کلمات ییرونی و هم افکار و نگرش‌های درونی قلب را در بر بگیرد. او می‌گوید شما، به عنوان پیروان مسیح، نباید با این چیزها مشخص شوید. در واقع، باید انجام آنها را به کلی متوقف کنید. شما نباید افرادی باشید که غر می‌زنند و بحث می‌کنند، و با توجه به آن پس‌زمینه عهد عتیق، پولس در نظر دارد؛ او می‌گوید، ببینید شما نباید مانند بنی‌اسرائیل در بیابان باشید پس از اینکه خدا آنها را از اسارت مصر نجات داد.

بنابراین او ادامه می‌دهد؛ او به باز کردن آنچه که می‌خواهد ما به جای آن باشیم، ادامه خواهد داد. در آیه ۱۵: «تا شما فرزندان بی‌عیب و معصوم خدا باشید، بی‌عیب در میان نسلی کج و منحرف، که در میان آنها همچون نور در جهان می‌درخشید».

بنابراین، مطالب زیادی برای باز کردن وجود دارد. چندین عبارت کلیدی در آن وجود دارد: اولین مورد «بی‌عیب و معصوم» است، این ایده تقریباً به زبان قربانی است. این ایده پاکی جدا بودن و این باید آبروی ما در برابر دیگران باشد. اکنون به این عبارت که در ادامه می‌آید مرتبط است: فرزندان خدا بی‌عیب. این ایده این است که ما فرزندان خدا هستیم و نباید عیب غرغر یا شکایت یا لکه گناه بر خود داشته باشیم. این ایده آنجاست.

او می‌گوید که ما زندگی می‌کنیم، همانطور که پولس در آیه ۱۵ می‌گوید، در میان نسلی کج و منحرف، یا کج و منحرف، همانطور که برخی ترجمه‌ها در آنجا دارند. حال، چیزی که ممکن است در ابتدا وقتی به آن نگاه می‌کنیم تشخیص ندهیم این است که در واقع پولس به یک نسل قدیمی دیگر اشاره می‌کند. متن عهد. او از تثیبه ۳۲:۵ الهام

می‌گیرد. بنابراین تثنیه ۳۲:۵ سرودی است که خدا به موسی الهام کرد تا آن را بنویسد و قرار بود شهادتی باشد. شاهدهی علیه آنها، زمانی که سرانجام عهد را می‌شکنند و از خداوند دور می‌شوند.

بنابراین، این سرود موسی در تثنیه فصل ۳۲ آیه ۵ جایی است که او می‌خواهد از آن استفاده کند. خب، در واقع، ما می‌خواهیم به عقب برگردیم و شروع به خواندن تثنیه ۳۲ آیه ۴ کنیم. در آن آمده است: «صخره‌ای که کار او برای همه راه‌هایش کامل است، عدالت است. خدای امین و بی‌گناه، عادل و درستکار است. اکنون به این زبان در اینجا تثنیه ۳۲:۵ گوش دهید. آنها، یعنی اسرائیل، با او فاسد رفتار کرده‌اند. آنها دیگر فرزندان او نیستند زیرا لکه‌دار هستند. هستند. آنها نسلی کج و منحرف هستند.

بنابراین پولس آن زبان را برمی‌دارد و می‌گوید به خاطر کاری که مسیح برای شما و در شما انجام داده است، می‌توانید چیزی باشید که اسرائیل نبود. «شما می‌توانید فرزندان خدا بدون نقص باشید، حتی اگر در میان نسلی کج و منحرف زندگی کنید. بنابراین، این نکته دوباره تأکید می‌کند که آنچه پولس در اینجا می‌گوید این است که ما باید از اشتباهات اسرائیل در زندگی ایمان خود به مسیح اجتناب کنیم. بنابراین این اشاره‌ای به تثنیه ۳۲:۵ است. ما به عنوان ایماندار می‌توانیم چیزی باشیم که اسرائیل بی‌وفا هرگز نمی‌توانست باشد.

حال، در آن سطر بعدی در مورد درخشش مانند نور صحبت می‌کند. این ممکن است پژواک یا اشاره‌ای به دانیال باشد. ما به آن نگاه نمی‌کنیم، اما اگر اینطور باشد، دانیال ۱۲:۳ در مورد رستاخیز ما صحبت می‌کند. در واقع ۱۲:۳ می‌داند چیست، ما به آن نگاه خواهیم کرد. بیایید به فصل ۱۲ دانیال بپردازیم. ارزش دارد که در مورد فصل ۱۲ دانیال مکث کنیم و تأمل کنیم. دانیال ۱۲، و این یکی از معدود متون عهد عتیق است که صریحاً در مورد رستاخیز از مردگان صحبت می‌کند. متون متعددی وجود دارد که به روش‌های ضمنی در مورد آن صحبت می‌کنند یا به طور غیرمستقیم به آن اشاره می‌کنند. این یکی از معدود آیاتی است که مستقیماً به این موضوع می‌پردازد.

بنابراین، دانیال ۱۲، از آیه ۲ شروع می‌شود. دانیال می‌نویسد: «بسیاری از کسانی که در خاک زمین خوابیده‌اند، برخی را برای حیات جاودان و برخی را برای شرمساری و حقارت جاودان بیدار خواهند کرد.» حالا آیه ۳: «آنانی که حکیم هستند، مانند روشنایی آسمان بالا خواهند درخشید، و کسانی که بسیاری را گمراه می‌کنند یا به سوی عدالت سوق می‌دهند، مانند ستارگان تا ابد. بنابراین، پولس می‌تواند آن زبان دانیال را در نظر داشته باشد وقتی که در فیلیپیان ۲ می‌گوید، مانند نور در جهان می‌درخشند.

اگر چنین باشد، ایده این است که چون ما قبلاً به زندگی معنوی آورده شده‌ایم، از نظر معنوی از مردگان برخیزانیده شده‌ایم. ما می‌توانیم بازتابی از حضور باشکوه خدا باشیم. در این خانه سقوط کرده، توهم احتمالی دیگری که در آنجا بررسی خواهیم کرد، می‌تواند اشعیا ۴۹:۶ باشد، جایی که بنده در مورد نجات خدا و اینکه بنده نوری برای ملت‌ها است صحبت می‌کند. این متن دیگری است که می‌تواند در آنجا مد نظر باشد.

صرف نظر از این، ایده باید کاملاً واضح باشد که ما باید در مقابل دنیای تاریکی که در آن زندگی می‌کنیم، برجسته باشیم. بنابراین، بله، اشعیا ۴۹:۶ شاید اکنون وقتی در مورد بی‌عیب و معصوم بودن صحبت می‌کنید، در شما وجود داشته باشد.

NIV پولس در مورد محکم یا استوار ماندن صحبت می‌کند همانطور که برخی ترجمه‌ها می‌گویند، یا اگر نسخه اصلی «سال ۱۹۸۴ را دارید، ممکن است از روی ترجمه‌ای بخوانید، آنها این اصطلاح را به عنوان «نگه داشتن کلام زندگی ترجمه می‌کنند. و بنابراین می‌توانید تفاوت را اینجا ببینید، درست است؟ تفاوت در محکم گرفتن یا محکم گرفتن، بر روی محکم نگه داشتن ما تمرکز دارد. محکم نگه داشتن کلام زندگی.

اما اگر ایده، محکم نگه داشتن باشد، بیشتر یک ایده بشارتی برای ابلاغ کلام حقیقت خواهد بود. بنابراین بحث‌هایی وجود دارد که کدام یک محتمل‌تر به نظر می‌رسد؛ اکثر ترجمه‌های انگلیسی به محکم نگه داشتن یا محکم نگه داشتن متمایل هستند، و من فکر می‌کنم احتمالاً این همان چیزی است که مد نظر است. اما باید اشاره کنیم که بسته به اینکه چه اشاره‌ای ممکن است در اینجا ببینید، اگر فکر می‌کنید اشاره‌ای به دانیال ۱۲ آیه ۳ وجود دارد که ما می‌خوانیم، به ایده محکم نگه داشتن اشاره می‌کند. اگر پولس به نوعی به متن سپتواجینت یا عبری تکیه می‌کند، متن

ماسورتیک بیشتر به ایده محکم نگه داشتن اشاره می‌کند.

پس ، اگر اشعیا ۴۹:۶ مد نظر باشد، به طور بالقوه به ایده محکم نگه داشتن نیز اشاره می‌کند. بنابراین من این را صرفاً برای این مطرح می‌کنم که بگویم گاهی اوقات این توهّم می‌تواند با نگاه به متن عهد عتیق، منظور نویسنده کتاب مقدس را روشن کند. صرف نظر از

این ، ایده این است که یا باید به کلام زندگی بچسبیم، یا باید آن را به دیگران منتقل کنیم. البته، واقعیت این است که هر دو درست هستند. فقط مسئله این است که پولس در این متن بر کدام یک تأکید می‌کند.

بنابراین ، وقتی به پایان آیه ۱۶ می‌رسیم، توجه کنید که پولس در اینجا کمی به روز مسیح نیز می‌پردازد و برای روز مسیح آماده می‌شود. روز مسیح چیست؟ خب، ما این ایده را قبلاً در فصل ۱:۶ دیده‌ایم که خدا کاری را که در روز مسیح آغاز کرده است، به پایان خواهد رساند. این در فیلیپیان ۱:۱۱ است که ما در روز مسیح پر از میوه عدالت در برابر خدا خواهیم ایستاد. بنابراین این ایده مربوط به آخرین روز تاریخ بشر است، جایی که خدا نجات را برای قوم خود و داوری را بر سر راه دشمنانش می‌آورد.

بنابراین به این معنا، حتی اگر پولس از عبارت روز مسیح در فیلیپیان ۲:۹ تا ۱۱ استفاده نکند. این همان چیزی است که در آنجا در مورد آن صحبت می‌کند، بنابراین ما در مورد حضور آن زبان در آیه فصل ۱ صحبت کرده‌ایم. ۶ و فصل ۲ آیات ۱۰ تا ۱۱.

در اینجا یک توهّم کوچک و جالب وجود دارد: وقتی پولس در پایان آیه ۱۶ می‌گوید که ممکن است به این افتخار کند که بیهوده ندیده‌ام یا بیهوده زحمت نکشیده‌ام. او ممکن است از اشعیا ۴۹:۴ که بنده خداوند را توصیف می‌کند، استفاده کند و یکی از چیزهایی که بنده خداوند در اشعیا ۴۹ در مورد آن ابراز نگرانی می‌کند، این احتمال است که او در تلاش‌هایش برای رساندن مژده نجات بیهوده زحمت کشیده است. بنابراین این می‌تواند یک پژواک یا اشاره احتمالی به آنجا باشد.

نه ، پولس این متن را با اشاره به تصاویر قربانی در آیه ۱۷ به پایان می‌رساند. پولس می‌نویسد: «حتی اگر قرار باشد به عنوان هدیه‌ای برای ریختن بر روی قربانی ایمان شما ریخته شوم، من با همه شما شاد و خوشحال هستم».

حال ، این تصویرسازی برای مخاطبان اصلی آشنا بوده است، اما برای ما که در فرهنگی زندگی می‌کنیم که قربانی‌های نوشیدنی را رواج نمی‌دهد، کمی کمتر آشناست. بنابراین فکر می‌کنم در اینجا مفید باشد که بفهمیم یک هدیه نوشیدنی به عنوان مکمل قربانی اصلی بر روی آن ریخته می‌شد. بنابراین تصویری که در اینجا پدیدار می‌شود این است که آنچه در آیه ۱۷ به عنوان هدیه اصلی در نظر گرفته شده است، هدیه قربانی ایمان شماست، فیلیپیان و پولس می‌گویند. مرگ من مانند یک هدیه نوشیدنی خواهد بود که به عنوان مکمل آن ریخته می‌شود.

می‌توانیم آن را اینگونه بیان کنیم: پولس اساساً می‌گوید، بیایید برای یک دقیقه فرض کنیم که من به عنوان یک هدیه نوشیدنی بر روی قربانی شما ریخته می‌شوم. قربانی شما به خدمتی اشاره دارد که از ایمان شما ناشی می‌شود. نتیجه این خواهد بود که او با آنها شاد و خوشحال خواهد شد و از آنها دعوت می‌کند تا در شادی به او بپیوندند.

باز هم، فکر کردن به این موضوع برای ما بسیار عجیب است، اما به آنچه پولس می‌گوید فکر کنید: اگر من این امتیاز را داشته باشم که جانم به عنوان هدیه‌ای برای قربانی شما ریخته شود، می‌خواهم شما خوشحال باشید. می‌خواهم شما شادی کنید زیرا این کاری است که من انجام می‌دهم. سپس او تکرار می‌کند، به همین ترتیب، شما نیز باید خوشحال باشید و با من شادی کنید.

بنابراین این بخشی از شیرجه زدن به علف‌های هرز است. بیایید یک دقیقه به عقب برگردیم و در مورد ایده اصلی فکر کنیم. این یک ایده بزرگ است که پولس در اینجا به آن می‌پردازد. من آن را اینگونه خلاصه می‌کنم: قوم خدا باید آنچه را که او در ما انجام داده است، کشف کنند. قوم خدا باید آنچه را که او در ما انجام داده است، کشف کنند. بنابراین در اینجا در این متن می‌بینیم که به دو بخش تقسیم می‌شود: اول، خدا به ما دستور می‌دهد که نجات خود را

کشف کنیم، و ما این کار را به عنوان چیزی که اختیاری نیست انجام می‌دهیم و ریشه در کار خدا در ما دارد.

سپس دوم، خدا به ما هشدار می‌دهد که از شکست‌های اسرائیل دوری کنیم. می‌توانیم توجه کنیم که غر زدن، هویت ما را به عنوان فرزندان خدا پنهان می‌کند. خدمت فداکارانه، شادی پایدار ایجاد می‌کند، بنابراین این خلاصه‌ای از آنچه در اینجا دیده‌ایم، است. در این متن غنی، چیزهای زیادی برای فکر کردن وجود دارد.

بباید با چند کاربرد به پایان برسیم: خدا می‌خواهد ما چه فکر کنیم یا چه چیزی را بفهمیم؟ من با این ایده شروع می‌کنم که خدا برای خشنودی خود در من و در ما کار می‌کند. پولس بر این ایده تأکید می‌کند که خدا کسی است که در ما کار می‌کند تا برای خشنودی خود اراده کنیم و کار کنیم. خدا از کار کردن در ما لذت می‌برد. او از آن لذت می‌برد. او خدایی بی‌میل نیست که بگوید، خب، این لازم است؛ حدس می‌زنم باید این کار را انجام دهم. من به این متعهد شده‌ام. او از کار کردن در ما لذت می‌برد تا ما را بیشتر شبیه مسیح کند.

دوم، من معتقدم که باید باور کنیم که خدا می‌تواند ما را برای تغییر توانمند کند. من متقاعد شده‌ام که یکی از بزرگترین دروغ‌هایی که شیطان به ما می‌گوید این است که شما هرگز تغییر نخواهید کرد. شما همیشه اینگونه خواهید بود؛ واقعاً هیچ امیدی وجود ندارد که شما متفاوت از الان باشید. می‌خواهم تأکید کنم که این را سرسری نمی‌گویم. واضح است که برخی گرایش‌ها و الگوهای گناه‌آلود عمیقاً ریشه‌دار در زندگی ما وجود دارند که غلبه بر آنها می‌تواند بسیار چالش‌برانگیز باشد. من نمی‌گویم که خدا به سادگی ما را از بین می‌برد و ما کاملاً متفاوت خواهیم شد.

منظورم این است که همه ما داستان‌هایی از تغییر مذهب چشمگیر افراد شنیده‌ایم که در آن کسی می‌گوید: «خب، من الکی بودم و سپس به عیسی ایمان آوردم و هرگز در زندگی‌ام هوس نوشیدن الکل دیگری نکرده‌ام.» این اتفاق می‌افتد، اما فکر نمی‌کنم این یک هنجار باشد.

روند عادی‌تر این است که یک فرد به مسیح روی می‌آورد و قبل از مسیح ممکن است فردی بسیار عصبانی بوده باشد و احتمالاً تا آخر عمر باید عمداً با وسوسه عصبانیت مبارزه کند. این امر به تلاش مداوم و کوشا نیاز دارد، اما واقعیت این است که خدا می‌تواند ما را توانمند کند تا به مرور زمان در اطاعت رشد کنیم، حتی در الگوهای بسیار سخت گناه.

سوم، ما باید آرزو کنیم و امید و شادی داشته باشیم که خدا می‌تواند و ما را متحول خواهد کرد. نه به نوعی سرسری که فقط بگوییم، اوه، می‌دانید، البته که خدا قرار است مرا دگرگون کند. اما باید یک امید و شادی واقعی وجود داشته باشد که بله، خدا در من در حال کار است و او می‌تواند تغییر کند؛ او مرا تغییر خواهد داد. البته، در نهایت، وقتی مسیح بازگردد، یا ما را به خانه ببرد. ما کاملاً تغییر خواهیم کرد، و بنابراین ما آن امید را داریم، و باید آن را پرورش دهیم.

در نهایت، پیشنهاد می‌کنم یک حوزه خاص از زندگی خود را مشخص کنید تا از خدا بخواهید که دگرگونی را به ارمغان بیاورد. حوزه‌ای را انتخاب کنید که برای شما یک مبارزه مداوم است و از خداوند بخواهید که شما را برای تغییر توانمند کند، به شما میل به اطاعت بدهد، به شما قدرت دهد که مسیح را بیشتر از خودتان دوست داشته باشید احتمالاً اینجا هم اضافه می‌کنم که به احتمال زیاد، هنگام دنبال کردن رشد در خداترسی در آن حوزه، می‌خواهید از دیگران تشویق و کمک بخواهید.

بنابراین، این تصویری است که در فیلیپیان ۲: ۱۲-۱۸ پولس ما را فرا می‌خواند تا نجات خود را محقق کنیم و از اشتباهات اسرائیل

دوری کنیم. در بخش بعدی، خواهیم دید که چگونه پولس شروع به ارائه نمونه‌هایی از این طرز فکر مسیح‌گونه می‌کند که در زندگی همکارانش

دکتر متیو اس. هارمون - در مجموعه مقالاتش در مورد فیلیپیان: در انجیل عیسی مسیح شاد باشید، به کار گرفته -

شده است. این جلسه هشتم است: نجات خود را رقم بزنید، فیلیپیان ۲: ۱۲-۱۸.